



درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲ دی ۱۳۹۶

مصادف با: ۴ ربیع الثانی ۱۴۳۹

جلسه: ۳۳

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الأول: غسل الوجه - کیفیت شستن

سال تحصیلی: ۹۶-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

به نظر مرحوم سید (ره)، واجب است که شخص در هنگام وضو گرفتن، شستن صورت را از بالا شروع کند. عرض شد که مشهور بین متقدمین و متأخرین، همین قول است. ادله‌ای برای این قول اقامه شده است که در جلسه گذشته دلیل اول که قاعده اشتغال بود ذکر و بررسی شد و نتیجه این شد که این دلیل پذیرفته نیست و مردود است، دلیل دوم، روایات بود که به روایت اول که ابی جریر رقاشی نقل کرده بود، اشاره شد و عرض شد که این روایت، سنداً و دلالهً ضعیف است که سند این روایت در جلسه گذشته بررسی شد.

دوم، اینکه روایت مذکور، دلالهً نیز قصور دارد و دلالت آن تمام نیست.

شیخ انصاری (ره) فرموده است: «وَأَمَّا رَوَايَةُ قُرْبِ الْإِسْنَادِ، فَالْأَمْرُ فِيهِ مَحْمُولٌ عَلَى الْإِسْتِحْبَابِ قَطْعًا لِتَقْيِيدِهِ بِكُونِهِ عَلَى وَجْهِ الْمَسْحِ فِي مَقَابِلِ اللَّطْمِ»؛^۱ امر [به غَسْل] که در روایت قرب الإسناد [روایت ابی جریر رقاشی] آمده است بر استحباب حمل می‌شود زیرا قیدی در روایت مذکور، بیان شده است که آن قید در مقابل لطم است و لطم کراهت دارد بنابراین، روایت مذکور بر وجوب شستن از بالا دلالت نمی‌کند، بلکه بر استحباب شستن صورت؛ از بالا دلالت دارد.

اشکال به شیخ انصاری (ره)

دلالت روایت ابو جریر رقاشی مشکلی ندارد و تمام است زیرا وجوب و استحباب از مدلول صیغه امر خارجند و به تعبیر روشن‌تر صیغه امر در دو معنا استعمال نمی‌شود، بلکه صیغه امر در یک معنی استعمال می‌شود و عقل گاهی به خاطر وجود قرینه، صیغه امر را بر وجوب حمل می‌کند و گاهی با توجه به قرینه‌ای که وجود دارد صیغه امر را بر استحباب حمل می‌کند. بنابراین، اگر صیغه امر مقترن به قرینه‌ای باشد که آن قرینه عبارت از ترخیص در ترک باشد، بر استحباب حمل می‌شود، ولی اگر صیغه امر مقترن به قرینه‌ای باشد که ترخیص در ترک نداشته باشد، بر وجوب حمل می‌شود و با توجه به اینکه صیغه امر [اغسل وجهک] در مانحن‌فیه [روایت ابی جریر رقاشی] مقترن به قرینه‌ای نیست که بر ترخیص ترک دلالت داشته باشد لذا «اغسل» بر وجوب حمل می‌شود؛ به این معنی که شستن صورت از بالا به پایین واجب است.

نظیر این مطلب در رابطه با امر به غَسْل در رابطه با جمعه و جنابت وارد شده است: «اغْتَسِلْ لِلْجُمُعَةِ وَ الْجَنَابَةِ». تفاوت بین غسل جمعه و جنابت این است که غسل جمعه مستحب است، ولی غسل جنابت واجب است و امر به این دو غسل با یک لفظ بیان شده

۱. شیخ انصاری، کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۱۷۲.

است و فرموده است «اغتسل» که به اعتبار اینکه قرینه بر ترخیص در ترک غسل جمعه وجود دارد، استحباب فهمیده می‌شود و به اعتبار اینکه قرینه‌ای بر ترخیص در ترک غسل جنابت وجود ندارد، وجوب فهمیده می‌شود.

نسبت به اجزاء و قیود نیز مطلب از همین قرار است، یعنی اینکه شیخ انصاری (ره) فرموده است که قید «ماسحاً» در مقابل «لطم» حاکی از این است که شستن از بالا مستحب است چون لطم کراحت دارد، عرض می‌شود که اگر مولی بگوید: «اکرم جماعة» و بعد قرینه بر اینکه عبد نسبت به اکرام بعضی از آن جماعت، ترخیص در ترک دارد، قائم بشود، در این صورت اکرام نسبت به آن جماعت، استحباب دارد، اما اکرام، نسبت به عده‌ای که قرینه‌ای بر ترخیص در ترک قائم نشده است، جنبه وجوب پیدا می‌کند.

در مانحن‌فیه نیز که شیخ انصاری (ره) فرموده است که چون مسح، جنبه وجوب ندارد و هم با ارتماس محقق می‌شود و هم با آب باران که بر روی صورت و دست می‌ریزد، محقق می‌شود، عرض می‌شود که قرینه بر ترخیص در ترک مسح قائم شده است، یعنی قرینه قائم شده است که ترک کشیدن دست و مسح جایز است که در این صورت امر نسبت به مسح جنبه استحباب پیدا می‌کند اما اصل مسأله که امر به غسل باشد، جنبه وجوب دارد. بنابراین، همان‌گونه که در «اکرم جماعة»، اگر قرینه قائم شد که نسبت به اکرام بعضی از آن جماعت، ترخیص در ترک وجود دارد، اکرام آن عده مستحب است، لکن اکرام عده دیگر که ترخیص در ترک درباره آنها وارد نشده است، واجب است، در مانحن‌فیه نیز آنجایی که قید «ماسحاً» آمده است و قرینه بر ترخیص در ترک مسح وجود دارد، شستن از بالا جنبه استحباب دارد، ولی نسبت به بقیه موارد که قرینه وجود ندارد، وجوب به قوت خود باقی است.

بنابراین، روایت مذکور، از نظر دلالت مشکلی ندارد و دلالت آن تمام است و تنها مشکلی که متوجه روایت است، ضعف سندی روایت مذکور است که اگر مشکل سندی حل شود، می‌توان به این روایت استناد کرد، ولی اگر مشکل سندی روایت حل نشود، نمی‌توان به آن استناد کرد.

روایت دوم: عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ؛ قَالَ: حَكَی لَنَا أَبُو جَعْفَرٍ (ع) وَضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ (ص): «فَدَعَا بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فَأَدْخَلَ يَدَهُ الْيُمْنَى فَأَخَذَ كَفًّا مِنْ مَاءٍ فَأَسْدَلَهَا عَلَى وَجْهِهِ مِنْ أَعْلَى الْوَجْهِ ثُمَّ مَسَحَ بِيَدِهِ الْجَانِبَيْنِ جَمِيعاً ثُمَّ أَعَادَ الْيُسْرَى فِي الْإِنَاءِ فَأَسْدَلَهَا عَلَى الْيُمْنَى ثُمَّ مَسَحَ جَوَانِبَهَا ثُمَّ أَعَادَ الْيُمْنَى فِي الْإِنَاءِ ثُمَّ صَبَّهَا عَلَى الْيُسْرَى فَصَنَعَ بِهَا كَمَا صَنَعَ بِالْيُمْنَى ثُمَّ مَسَحَ بِيَلِّهِ مَا بَقِيَ فِي يَدَيْهِ رَأْسَهُ وَرِجْلَيْهِ وَلَمْ يُعِدْهُمَا فِي الْإِنَاءِ»^۱.

بحث جلسه آینده: روایت مذکور، ان شاء الله، در جلسه آینده بررسی خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۵، ص ۳۹۲، ح ۱۰.